

Discursive Semiotics of Three Symbols of Sacred Defense in Hossein Monzavi's Poems (Integrating Fairclough and Rifater's Theory)

Shakib Davoodi¹ | Jahangir Safari² | FName LName³

Abstract

One of the most famous contemporary poets who has always paid special attention to social issues and phenomena in his poems is Hossein Manzavi. In this research, we have tried to combine the two theories of semiotics of poetry (Rifater) and critical discourse analysis (Fairclough) to examine three symbols of the Holy Defense, namely the symbols of blood, shroud, and soil, in the poems of this contemporary poet, and to answer the question: How are the symbols of the Holy Defense in Manzavi's poems used as symbols of various discourses of society during the Holy Defense period through the process of accumulation and descriptive poetry? The results of this research show that: in Manzavi's poems, according to Rifater's approach, the process of accumulation of words such as: hot, tulip, purple, red, ink, signature, etc., in conjunction with the symbol of blood, in a multifactorial determination and intratextual meaning-making, indicates the concept of martyrdom. Also, according to Fairclough's theory, this accumulation of positive words is in line with the discourse of the insider who dominates Iranian society during the Holy Defense. And in contrast to that, the process of accumulation of words such as: badge, dagger, lead, fire, etc. have been used as signs in line with the discourse of the Baathist aggressor enemy. Also, according to the descriptive system in Rifater's theory, words such as: hot, lasting, memorial, friend, lover, etc. are all descriptions of the word martyr, and words such as: red, tulip, hot, purple, rosy, form the system of descriptions of the symbol of blood, which indicates the same concept of martyrdom and points to the discourse of sacrifice and martyrdom of the moderate and militant Iranian society.

Keywords: Hossein Monzavi, symbol, semiotics of poetry, critical discourse analysis, sustainable literature.

1. Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Shahrekord University, Chaharmahal and Bakhtiari, Iran.

2. Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Shahrekord University, Chaharmahal and Bakhtiari, Iran.

3.

نشانه‌شناسی گفتمانی سه نماد دفاع مقدس در اشعار حسین منزوی (با تلفیق نظریه فرکلاف و ریفاتر)

شکیب داودی^۱ | جهانگیر صفری^۲ | مسعود فروزنده^۳

۱۱

سال ششم
پاییز و زمستان ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۱۱/۲۱

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴/۰۶/۰۹

صص: ۳۰۳-۲۷۹

شاپا چاپی: ۶۳۲۸-۲۵۳۸
الکترونیکی: ۱۶۵۵-۲۷۱۷



DOR: 20.1001.1.25386328.1403.6.11.9.4

چکیده

یکی از مشهورترین شاعران معاصر که همواره در اشعارش توجه ویژه‌ای به مسائل و پدیده‌های اجتماعی داشته است، حسین منزوی است. در این پژوهش سعی داشته‌ایم که با تلفیق دو نظریه نشانه‌شناسی شعر (ریفاتر) و تحلیل انتقادی گفتمان (فرکلاف) به بررسی سه نماد دفاع مقدس، یعنی نماد: خون، کفن و خاک، در اشعار این شاعر معاصر پرداخته و به این پرسش پاسخ دهیم که: نمادهای دفاع مقدس در اشعار منزوی، چگونه با فرآیند انباشت و منظومه توصیفی، به‌عنوان نشانه گفتمان‌های گوناگون جامعه در دوران دفاع مقدس به کار می‌روند؟ نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که: در اشعار منزوی، مطابق رویکرد ریفاتر فرآیند انباشت واژگانی چون: داغ، لاله، ارغوان، سرخ، جوهر، امضا و... در ترادف با نماد خون، در تعینی چندعاملی و معنا سازی درون‌متنی به مفهوم شهادت دلالت دارند. همچنین براساس نظریه فرکلاف، این انباشت واژگان مثبت، در راستای دلالت بر گفتمان خودی حاکم بر جامعه ایران در دوران دفاع مقدس است. و در مقابل آن فرآیند انباشت واژگانی چون: دشنه، خنجر، سرب، آتش و... به‌عنوان نشانه در راستای دلالت‌مندی بر گفتمان دشمن متجاوز یعنی به کار رفته‌اند. همچنین مطابق منظومه توصیفی در نظریه ریفاتر، واژگانی چون: داغ، ماندگار، یادگار، دوست، یار، عاشق و... همگی توصیفاتی از واژه شهید هستند، و واژگانی چون: سرخ، لاله، داغ، ارغوان، گلگون، منظومه توصیفات نماد خون را تشکیل می‌دهند که بر همان مفهوم شهادت دلالت دارد و بر گفتمان ایثار و شهادت‌طلبی جامعه متوسط و مبارز ایران اشاره می‌نماید.

کلیدواژه‌ها: حسین منزوی، نماد، نشانه‌شناسی شعر، تحلیل انتقادی گفتمان، ادبیات پایداری.

۱. نویسنده مسئول: دانش‌آموخته گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهرکرد. شهرکرد، ایران.

Shakibdavoodi1376@gmail.com

۲. استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهرکرد. شهرکرد، ایران.

۳. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهرکرد. شهرکرد، ایران.

مقدمه و بیان مسئله

بیان صریح موضوع اغلب از لذت شعر و شاعرانگی آن برای مخاطب می‌کاهد. حال اگر آن موضوع اسرار عرفانی یا دل‌گرفتنی‌های عاشقانه و به‌خصوص انتقادات و ایستادگی‌های اجتماعی سیاسی باشد ممکن است از لذت و رغبت بیان آن برای شاعر نیز کاسته شود. به همین سبب در دوره معاصر و به تأثیر از مکتب سمبولیسم اروپایی جریان شعری نمادگرایی اجتماعی به راه افتاد. از طرفی ادبیات پایداری از نظر اجتماعی سیاسی اهداف و رویکردهایی مانند جریان نمادگرایی اجتماعی دارد. هرچند باید ادبیات پایداری را گونه‌ای از انواع ادبی دانست اما از طرفی به سبب ارتباط تنگاتنگ این نوع ادبی با شرایط و اوضاع اجتماعی و خفقان‌های سیاسی و جهل و ناآگاهی‌های عمومی و همچنین از طرف دیگر، ویژگی در پرده رمز و ابهام گفتن و پرداختن به انتقادات و اعتراضات و آرمان‌ها و عقاید، پوشیده از شد دشمنان و حاکمان ظالم و مردم جاهل و ...، جامعه کمتر اجازه ظهور این گونه ادبی را داده است و ناچار در لایه زیرین انواع ادبی دیگر مانده است. (قلی‌پوری و همکاران ۱۴۰۰: ۴) بنابراین شاعران و نویسندگانی که مفاهیم اجتماعی و مؤلفه‌های ادبیات پایداری را در اشعار خود جای داده‌اند، گاه نه با بیانی صریح، بلکه با استفاده از نمادهای گوناگون مفاهیم و ارزش‌ها و آرمان‌های اجتماعی و سیاسی خود را منتقل کرده‌اند. پس در ادب معاصر، علاوه بر نمادهای عرفانی و حماسی گذشته، با مفهومی تازه از نمادها، یعنی «نمادهای پایداری» مواجه هستیم. بخش عمده‌ای از ادب پایداری در کشور ما، به سبب واقعۀ تاریخی جنگ هشت ساله تحمیلی معطوف به مقوله‌های جنگ و شهادت است. بنابراین هم‌راستا با نمادهای پایداری باید نمادهای دفاع مقدس را نیز قابل طرح دانست. اگرچه پژوهش‌ها و تحقیقات فراوانی در خصوص نمادهای پایداری وجود دارد، اما در ادامه این پژوهش به بررسی و تحلیل سه نماد پرکاربرد جنگ و شهادت و ادبیات دفاع مقدس، یعنی نماد: خون، کفن و خاک در اشعار حسین منزوی خواهیم پرداخت.

مبانی نظری

با پیشرفت روزافزون نظریات نقد ادبی، رویکردهای متفاوتی در خصوص تحلیل و بررسی شعر و به‌ویژه صنعت نماد وجود دارد که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به نظریات نشانه‌شناسی اشاره نمود.

مایکل ریفاتر (۱۹۲۴-۲۰۰۶) با نگاهی ساختارگرایانه نظریه نشانه‌شناسی شعر را متفاوت‌تر از دیگر نظریات نشانه‌شناسی مطرح کرد. او شعر را واجد زبانی متفاوت از زبان معمول می‌داند که باید رمزگان آن با راه و روشی از درون خود ادبیات بازگشایی شوند. ریفاتر می‌گوید: در شعر حرفی زده می‌شود اما مقصود چیز دیگری است. لذا تفسیر نیز عمدتاً معطوف به همین معنای دیگر است. (ریفاتر، ۱۹۹۰: ۱۰۶) این نگاه او، نظریه‌اش را بیش از هر نظریه دیگر برای واکاوی ادبیات سمبولیک و نمادین مناسب می‌کند. ریفاتر استدلال می‌کند که هر شعر ایده واحدی دارد که به چندین شکل مختلف در متن آن بیان می‌شود. وی در آثار اولیه خود این ایده مرکزی را هسته معنایی می‌نامید و بعدها در کتاب نشانه‌شناسی شعر نام خاستگاه را به آن اطلاق کرد. خاستگاه یک اندیشه است که غالباً می‌توان آن را به صورت یک واژه، عبارت یا جمله بیان کرد. (پاینده، ج ۲، ۱۳۹۷: ۲۱) بر مبنای همین ویژگی محدودیتی که نظریه ریفاتر به وجود می‌آورد این است که این نظریه الزاماً جهت بررسی یک اثر (شعر) به صورت کامل مناسب به نظر می‌رسد (چندان که تمام پژوهش‌های سابق نیز بر همین منوال بوده است)، و برای بررسی مصادیق گوناگون و پراکنده، مانند نمادها که موضوع پژوهش حاضر است، تاکنون پاسخگو نبوده است. ریفاتر در نظریه خود از خوانش اولیه و خوانش پس‌کنشانه نام می‌برد، که اولی مرتبط با درک مخاطب عام و توانش زبانی گویش‌وران یک زبان است، و دومی مرتبط با درک و توانش ادبی منتقدین و مخاطبین خاص ادبیات است. او دلالت نشانه‌ها را در ساحتی درون‌متنی در بستر یک شعر می‌داند و آن را تعیین چندعاملی می‌داند و در راستای دلالت‌مندی و معنا سازی نشانه‌ها در این ساحت درون‌متنی، از دو فرآیند: «انباشت» و «منظومه توصیفی» نام می‌برد. طبق تعریف ریفاتر از این فرآیندها در کتاب تولید معنا، زنجیره‌ای از واژه‌ها که عنصر معنایی مشترکی داشته باشند و در متن شعر از طریق این عنصر با یکدیگر پیوند یابند، انباشت به وجود می‌آورند. (پاینده: ۲۶) او همچنین اصطلاح منظومه توصیفی را برای اشاره به مجموعه واژه‌ها یا عباراتی به کار می‌برد که هریک جنبه‌ای از یک ایده اصلی یا واژه هسته‌ای را بیان می‌کند. (همان: ۲۷) از نظر ریفاتر: صدق کردن یا نکردن آنچه در متن غیرادبی آمده، از راه ارتباط آن متن با واقعیت عینی سنجیده می‌شود و لذا چنین متنی واجد چندین مرجع است. (ریفاتر، ۱۹۸۳: ۸۸) همین نگاه او نظریه‌اش را تا حد زیادی به حوزه‌های نقد اجتماعی و واقع‌نگر و نظریات تحلیل گفتمان نزدیک می‌کند که تلفیق آن با نشانه‌شناسی شعر ریفاتر، هم

محدودیتی که پیش‌تر در مورد این نظریه بیان شد را جبران می‌کند و هم راهکاری تازه در راستای کشف و تبیین نشانه‌شناسی گفتمانی ادبیات نمادین و سمبولیک است.

یکی از تأثیرگذارترین نظریات گفتمانی، نظریه تحلیل انتقادی گفتمان نورمن فرکلاف (۱۹۴۱) است. تحلیل گفتمان انتقادی از نظر فرکلاف تلفیقی است از تحلیل متن تحلیل فرایندهای تولید و توزیع و مصرف متن و تحلیل اجتماعی فرهنگی رخداد گفتمانی به‌عنوان یک کل یکی از اهداف مهم تحلیل انتقادی حذف قدرت سلطه در نظریه و عمل است. (Fairclough, ۱۷: ۱۹۹۵) فرکلاف تحلیل متون را در چارچوب تحلیل انتقادی گفتمان تلفیقی از دو تحلیل زبان‌شناختی و تحلیل بینامتنی می‌داند. (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۲۱) و گفتمان را در سه سطح توصیف تفسیر و تبیین بررسی می‌کند. (پارسانسب و همکاران، ۱۳۹۸: ۵۴) از نظر او تحلیلگران در سطح توصیفی به آشکارسازی جایگاه و هویت اجتماعی مشارکان گفتمان و آشکارسازی موضع‌گیری متن در سطح تفسیر به تعامل بین متن و بافت و در بخش تبیین به رابطه دوسویه متن و کردار اجتماعی می‌پردازند. بر اساس رویکرد فرکلاف در سطح توصیف با تمرکز بر تحلیل زبان‌شناختی متن ارزش تجربی (دانش مشترک)، ارزش رابطه‌ای (روابط اجتماعی)، ارزش بیانی (داوری مشارکان گفتمان) و هویت اجتماعی به ارزش‌های صوری متن می‌پردازد. ((فرکلاف: ۱۷۰-۲۰۲) به نقل از همان)

سطح توصیف نظریه فرکلاف، که به چگونگی و نوع به کار رفتن واژگان در محور هم‌نشینی و دوگانگی‌های مثبت و منفی آن‌ها می‌پردازد، تطابق بسیاری با فرآیندهای معنا ساز نظریه ریفاتر می‌یابد که آن هم به‌نوعی مبتنی بر محور هم‌نشینی واژگان هم‌معنا یا توصیفی است که به دلالت‌های مشترکی می‌پردازد که در خاستگاه کلی شعر مطرح است. به بیان دیگر می‌توان دو فرآیند انباشت و منظومه توصیفی در نظریه ریفاتر را با تلفیق و ادغام در سطح توصیف نظریه فرکلاف و با تکیه بر تبیین جدال‌های مثبت و منفی واژگان، و گفتمان‌های موافق یا معارض به کار گرفت.

در ادامه این پژوهش با همین رویکرد تازه و تلفیقی، سعی بر تحلیل نشانه‌شناختی-گفتمانی سه نماد خون، کفن و خاک در اشعار حسین منزوی داریم. هرچند نظریه ریفاتر را به جهت به دست آمدن واژگان و عبارات کافی ذیل فرآیندهای انباشت و منظومه توصیفی اغلب در تحلیل یک اثر کامل به کار گرفته‌اند، اما در این پژوهش مصادیق متعدد هر نماد را به‌عنوان خاستگاه کلی و محل

استخراج مجموعه‌های انباشتی و توصیفی آن نماد در نظر گرفته‌ایم. به عبارت دیگر تمام ابیاتی که مصادیق هر نماد در آن وجود دارند را، به منزله یک اثر کامل برای بررسی فرآیندهای معنا ساز آن نماد در نظر گرفته‌ایم.

پیشینه پژوهش

سابق بر این پژوهش‌های فراوانی در خصوص نشانه‌شناسی و تحلیل گفتمان شعر معاصر و شعر دفاع مقدس براساس نظریه ریفاتر و نیز نظریه فرکلاف به صورت مجزا انجام شده است. از جمله مقاله: «نشانه‌شناسی هیپوگرام مفهومی «شهادت» در شعر دفاع مقدس» اثر علی پور که در سال ۱۳۸۹-۱۳۹۰ شماره ۳ و ۴ نشریه ادبیات پایداری به انتشار رسیده است. یا مقاله: «تطبیق نماد و نشانه‌های دفاع مقدس در هنرهای تجسمی و معماری دفاع مقدس» که در سال ۱۳۹۸ دوره ۱۴ شماره ۵۰ نشریه نگره توسط دریکوندی و بهزاد به انتشار رسیده است. یا مقاله: «تحلیل انتقادی گفتمان رمان لم یزرع براساس رویکرد فرکلاف» اثر رحیمیان که در سال ۱۴۰۲ دوره ۱۵ و شماره ۲۹ نشریه ادبیات پایداری منتشر شده است. یا مقاله: «تحلیل گفتمان انتقادی شعر دفاع مقدس برای کودکان از منظر رهیافت ون لیون» که در سال ۱۳۹۴ شماره ۶۵ نشریه متن پژوهی ادبی توسط مقداری و جهانگیری منتشر شده است. همچنین مقالاتی در خصوص نمادپردازی شاعران معاصر در راستای تبیین مؤلفه‌های ادبیات پایداری نگاشته و منتشر شده است. از آن جمله مقاله تحلیل و بررسی سمبل‌های اجتماعی در سروده‌های امیر هوشنگ ابتهاج، اثر علی محمدی و فاطمه کولیوند که در سال ۱۳۹۰ در شماره ۹ نشریه بوستان ادب منتشر شد. یا مقاله تحلیل نمادهای طبیعی مقاومت در سه اثر داستانی راضیه نجار (ستاره من، گمان مبر که شعله بمیرد، و محبوبه صبح) براساس کهن‌الگوی یونگ، اثر مشترک کلبعلی، سنچولی و مجوزی که در سال ۱۴۰۱ شماره ۷ نشریه مطالعات دفاع مقدس و نبردهای معاصر چاپ شده است. یا مقاله نماد نقاب و اسطوره در شعر پایداری قیصر امین پور که توسط کبری روشنفکر، حسینی قبادی و مرتضی زارع برمی در سال ۱۳۹۳ در دوره ۵ شماره ۱ نشریه فنون ادبی دانشگاه اصفهان منتشر شد. یا مقاله دیگری با عنوان تحلیل نمادهای شعر پایداری در اشعار احمد شاملو بر پایه نقد اسطوره‌شناختی اثر حسین فیروزی، ابوالقاسم اسماعیل پور مطلق و عباسعلی وفایی که در سال ۱۳۹۸ دوره ۱۱ شماره ۲۰ نشریه ادبیات

پایداری منتشر شد. همچنین مقاله‌ای تحت عنوان آزادی عنصر غالب غزل‌های نمادین حسین منزوی نوشته فاطمه مدرسی و رقیه کاظم‌زاده که در سال ۱۳۹۰ در دوره دوم شماره ۴ نشریه ادبیات پایداری به چاپ رسید، و همچنین مقاله از نگارنده با همکاری ساناز باقریان تحت عنوان تحلیل مؤلفه آزادی در اشعار حسین منزوی و قیصر امین‌پور که در سال ۱۴۰۰ در نهمین کنگره ملی ادبیات پایداری منتشر شد، از دیگر پژوهش‌های مرتبط با موضوع پژوهش حاضر هستند. اما با این حال بررسی و نشانه‌شناسی نمادهای دفاع مقدس به عنوان مقوله‌ای مهم از ادبیات پایداری بر پایه نظریات ریفاتر، و آن هم با تلفیق با رویکرد تحلیل انتقادی فرکلاف موضوعی کاملاً نو و بدیع به نظر می‌رسد.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با استفاده از روش کتابخانه‌ای، تحلیلی و توصیفی، و با مطالعه موردی مصادیق نمادهای دفاع مقدس در یک جامعه آماری کامل، و مجموعه کامل اشعار حسین منزوی صورت گرفته است. همچنین برای نمونه از میان نمادهای مستخرج دفاع مقدس در اشعار حسین منزوی، ۳ نماد پرکاربرد خون، کفن، و خاک، براساس رویکردی تلفیقی از نظریه نشانه‌شناسی شعر ریفاتر و تحلیل انتقادی گفتمان فرکلاف، مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته‌اند.

اهمیت پژوهش

آن‌چه از ادبیات پایداری و مؤلفه‌های آن در ذهن عامه مردم موجود است، صورت صریح و مستقیم آن است؛ درحالی‌که موضوع نمادگرایی در ادبیات پایداری موضوعی به شدت قابل تأمل و تأثیرگذار است. تلاقی مبانی تاریخی-سیاسی، و همچنین بازه زمانی ادبیات پایداری با جریان سمبولیسم اجتماعی، باعث می‌شود که نگاهی عمیق‌تر به مؤلفه‌ها و آثار پایداری داشته باشیم. از این رو بررسی نمادهای پایداری در شعر شاعران معاصر امری مهم و قابل توجه به نظر می‌رسد. از سوی دیگر چنانچه در پیشینه پژوهش ملاحظه شد، تحلیل انتقادی گفتمان شعر دفاع مقدس بر پایه آراء فرکلاف از رویکردهای رایج برای تحلیل و تبیین اشعار دفاع مقدس است، اما تاکنون هیچ تحلیل گفتمانی آن هم با رویکرد انتقادی فرکلاف از اشعار حسین منزوی صورت نپذیرفته است. در مبانی نظری پژوهش حاضر نیز بیان شد که: سطح توصیف نظریه فرکلاف که به چگونگی و نوع به کار

رفتن واژگان در محور هم‌نشینی و دوگانگی‌های مثبت و منفی آن‌ها می‌پردازد، تطابق بسیاری با فرآیندهای معناساز نظریهٔ ریفاتر می‌یابد که آن هم به‌نوعی مبتنی بر محور هم‌نشینی واژگان هم‌معنا یا توصیفی است که به دلالت‌های مشترکی می‌پردازد که در خاستگاه کلی شعر مطرح است. بنابراین و از آنجاکه رویکرد نشانه‌شناسی نیز از رویکردها و نظریات کارآمد تحلیل شعر به‌ویژه شعر دفاع مقدس است، حاصل تلفیق رویکرد نشانه‌شناسی شعر ریفاتر با نظریهٔ تحلیل انتقادی گفتمان فرکلاف، به دست آمدن راهکار و رویکردی تازه برای بررسی و تحلیل شعر نمادین و غیرمستقیم اجتماعی و دفاع مقدس است و از آنجاکه تاکنون هیچ تحلیل گفتمانی و نشانه‌شناختی بر اشعار دفاع مقدس حسین منزوی صورت نگرفته است، در این پژوهش این رویکرد تلفیقی را به منظور بررسی اشعار نمادین دفاع مقدسی این شاعر به کار خواهیم برد.

یافته‌های پژوهش

۱. مؤلفه‌های ادبیات پایداری

مؤلفه‌های ادبیات پایداری از آغاز تاکنون بارها و بارها مورد تغییر و گسترش و کاهش قرار گرفته‌اند و می‌توان رابطه و تناسب مستقیمی میان کمیت این مؤلفه‌ها در ادوار مختلف تاریخ، با رواج این گونهٔ ادبی در یک دورهٔ تاریخی قائل شد. به‌نحوی که هرچه ادبیات پایداری در یک دوره بیشتر رواج یافته، مؤلفه‌های آن نیز در آن دوره بیشتر و وسیع‌تر شده است، و هرچه در یک دوره کمتر به ادب پایداری توجه یا نیاز بوده است، طبیعتاً مؤلفه‌های آن نیز کاهش یافته است. با این توضیح که برخی از مؤلفه‌های پایداری، به‌طور فطری و ذاتی در تمام جوامع بشری در همهٔ ادوار موجود بوده است، و فقط گاه کمرنگ یا پررنگ‌تر می‌شوند، برخی از مؤلفه‌ها وجود داشته و در دوره‌ای متناسب با ارزش‌های جامعه حذف شده یا تغییر می‌کنند، و برخی از مؤلفه‌ها یا محدود بوده و گسترش یافته‌اند و یا کلاً پیش از یک دورهٔ خاص وجود نداشته و از آن به بعد به وجود آمده‌اند. بنابراین در ادوار تاریخی مختلف، مؤلفه‌های مختلفی می‌توان برای ادب پایداری فرض کرد.

برای مثال: «مؤلفه‌های اصلی ادبیات پایداری در شاهنامه و اشعار ناصر خسرو، خردگرایی و بیگانگی‌ستیزی باتکیه بر عنصر زبان و عناصر هویت ملی و اندیشه‌های شیعی است.» (صفری و ظاهری،

۱۳۹۴) و در شعر حافظ خرافه‌ستیزی، نقد ریا و تزویر، انتقاد از فساد و ظلم حکام و ... مؤلفه پایداری است. در دوران مشروطه مؤلفه‌هایی مثل استبداد ستیزی، استعمارگریزی، آزادی خواهی، تجددگرایی و ... ایجاد شده، و مؤلفه‌هایی مثل وطن پرستی، بیگانه‌ستیزی، ظلم ستیزی، نقد فساد و ... گسترش و توسعه می‌یابند. و در دوره دفاع مقدس نیز با مؤلفه‌هایی مثل جنگ، شهادت، ایثار، دین‌مداری، و همچنان وطن پرستی و بیگانه‌ستیزی مواجه هستیم.

«بررسی مؤلفه‌های پایداری و رصد آن در آثار ادبی، یکی از رایج‌ترین شیوه‌های تحقیق در ادبیات پایداری به حساب می‌آید.» (کافی، ۱۴۰۰: ۵) از آنجا که مقوله جنگ و شهادت، و مبارزه با دشمن خارجی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های ادبیات پایداری به‌ویژه در ادبیات معاصر است و در کشور ما با حماسه ۸ ساله دفاع مقدس جلوه کامل می‌یابد، بنابراین در ادامه این پژوهش سعی داریم بایان تعریف و شرحی کوتاه از این مؤلفه ادب پایداری، به بررسی و تحلیل مصادیق نمادهای دفاع مقدس در اشعار یکی از شاعران مشهور معاصر یعنی حسین منزوی بپردازیم.

۱-۱. مؤلفه جنگ و شهادت

یکی از مؤلفه‌های مهم ادبیات پایداری، که به‌ویژه در کشور ما به تأثیر از دوران ۸ سال دفاع مقدس، وجهه و جلوه‌ای خاص‌تر یافته است، مؤلفه جنگ است. جنگ و پرهیز از آن همواره یکی از دغدغه‌های اصلی جوامع بشری بوده است. این مفهوم در فرهنگ ایرانی نیز جایگاه خاص خود را دارد و شاعران و اندیشمندان کشورمان، چه گذشتگان در برابر جنگ‌های تاریخی، و چه معاصران در برابر جنگ تحمیلی رژیم بعثی، در آثار خود به آن پرداخته‌اند.

مفهوم جنگ در کشور ما، فرهنگ جانبازی و ایثار و شهادت را نیز به تبع خود ایجاد و رایج کرده است. به نحوی که رویکرد شاعران در رابطه با این مقوله، یا به صورت نکوهش جنگ و آفات و تبعات زیان‌بار آن، یا از سویی دیگر به شکل ستایش از روحیه جهاد و ایثار و شهادت بوده است. این مضمون گاه به شکلی صریح و مستقیم در شعر شاعران معاصر جلوه‌گر شده است، و گاه آنان با استفاده از سمبل‌های گوناگون نظر و احساس خود را از مفهوم جنگ، و رشادت‌ها و شجاعت‌های رزمندگان، جانبازان، اسرا و شهیدان میهن‌مان بیان کرده‌اند. در ادامه این بخش

سمبل‌های جنگ و شهادت را در اشعار دفاع مقدس یکی از سرشناس‌ترین شاعران معاصر، یعنی حسین منزوی مفصلاً مورد بررسی و تحلیل قرار خواهیم داد.

۲. نمادهای جنگ و شهادت در اشعار حسین منزوی

حسین منزوی مانند دیگر شاعران دغدغه‌مند معاصر، همان‌قدر که به مؤلفه‌های آزادی، ظلم و میهن و سایر مؤلفه‌های ادبیات پایداری اهمیت داده است، به مقابله با دشمن خارجی، و مؤلفه جنگ نیز بی‌توجه نمانده و همراه و هم‌درد مردمش بوده است. او اغلب به وصف رشادت‌ها و شجاعت‌ها می‌پردازد، و شعرش مخاطبان را به تقویت روحیه جهاد و مقابله با هجوم بیگانگان تشویق می‌کند، و گاه نیز صلح‌طلبی و جنگ‌ستیزی را سرلوحه کار خود قرار می‌دهد. به‌هرروی منزوی نیز در راستای نیل به این اهداف، هم از بیان صریح بهره برده است و هم از زبان و رویکرد سمبولیک. در ادامه ۳ مورد از پرکاربردترین سمبل‌هایی که او در راستای تبیین مفاهیم جنگ، ایثار و شهادت مورد استفاده قرار داده است را، مفصلاً بررسی و معرفی خواهیم نمود.

۲-۱. خون

خون نماد حیات و آغاز و جریان آن است. آغاز خلقت انسان را از منشأ خون می‌دانند. مایه‌ای که بقای او را نیز رقم می‌زند. از سوی دیگر خون و به‌ویژه ریختنش، نماد مرگ نیز هست. چنانچه «قصه خون کردن» و «تشنه به خون کسی بودن» نیز مجازاً کنایه از قصد جان کسی را داشتن و خواهان مرگ کسی بودن است. بنابراین خون که مجاز از جان است، مفاهیمی دوگانه و متقابل می‌یابد، یعنی: حیات و مرگ. همین تقابل دوگانه این نماد را در ادب معاصر به‌عنوان نماد شهادت قرار داده است. چراکه در گفتمان فرهنگی و ادبی معاصر، شهدا مردگان جاوید هستند. در ادبیات معاصر به‌ویژه ادبیات دفاع مقدس که در ادامه حماسه ۸ ساله دفاع مقدس پدید آمد، خون‌های زیادی ریخته شد و مردان زیادی به شهادت و جانبازی رسیدند تا ذره‌ای از خاک وطن را دست دشمن نسپارند. بر همین اساس خون بهایی دوجندان و معنایی عمیق می‌یابد. واژه خون در کارکردی نمادین در شعر دفاع مقدس به کار برده می‌شود و به‌عنوان یکی از پرکاربردترین نمادهای دفاع مقدس شناخته می‌شود. خون سمبلی توسیعی، عمومی و طبیعی (در خصوص

دسته‌بندی‌های صورت گرفته از انواع نماد در این پژوهش، ر.ک: داودی و دیگران، ۱۴۰۳، پیشنهادی بر دسته‌بندی انواع سمبل) است که در مفهوم شهادت به کار رفته است. این نماد مجازی در اشعار حسین منزوی نیز ۶۶ بار تکرار شده است که در ادامه بخشی از مصادیق آن را شرح خواهیم داد.

زیر هر ستونش را دشنه‌ای موشح کرد باره و پریشان باد این کتاب خون آلود(منزوی، ۱۳۹۹: ۹۳)

داغ تو ماندگار است، چندان که یادگار است از خون، هزار لاله، بر بیرق بهاران (همان: ۱۱۳)
هرعاشقی که جان داد، در باغ سروی افتاد برخاک و سرخ‌تر شد خوناب جویباران (همان)

منزوی جنگ را شاید به اعتبار آموزه‌هایی که برای ملت مستحکم ایران در پی داشت، کتابی خون‌آلود توصیف می‌کند. کتابی که هرچند ما را سراسر آموزه عشق و ایثار بوده است، اما بازهم آنقدر این واقعه فجیع و جانگداز بوده که باعث می‌شود شاعر به لعن و نفرین آن بپردازد. او خون را نماد شهادت نیز می‌داند. شهادت جوانمردانی که هرچند داغان سخت و غیرقابل تحمل است، اما رمز ماندگاری و یادگار آنان نیز هست.

باران فرو نشسته اما هنور در باغ خون چکه‌چکه ریزد از پنجه چناران
باران خون و خنجر، گفتمی و شد مکرر شاعر خموش دیگر، باران مگو، بیاران(همان: ۱۱۴)

منزوی در این شعر اشاره‌ای به سیر تاریخی جامعه‌اش نیز دارد و شاید با نگاهی ریزبینانه تر به واقعه دفاع مقدس می‌نگرد. باغ نماد میهن و وطن است. و چنار نماد آزادیخواهان و مبارزان راه آزادی. منزوی در این ابیات با رویکردی نمادین به این نکته اشاره می‌کند که اگرچه باغ ایرانش از زیر باران های ظلم و استبداد رهایی یافته و در پی واقعه انقلاب اسلامی به آزادی رسیده است، اما بلافاصله با باران ظلم دیگری که این بار بسیار خون‌بارتر و مرگ‌ریز تر است مواجهیم. باران اغلب نماد آزادی و به طور کلی از نمادهای سعد ادبیات پایداری است، چنان که شاعر در انتهای بیت فعل بیاران را در همین مفهوم به کار می‌برد. اما در دو مرتبه استفاده قبلی از این ویژه در دوبیت فوق این طور نیست. باران نماد ظلم و جنگ و کشتار قرار گرفته است به‌نحوی که باران اولی به ظلم حاکم داخلی و قدرت مستبد دوران قبل از انقلاب دلالت دارد، و باران در ابتدای بیت دوم به ظلمی که از جهت دشمن خارجی و بعضی متوجه مرزهای کشور تازه به آزادی رسیده‌مان است. منزوی در چنین

فضاسازی و تصویرگری تاریخی دقیقی نماد خون را به کار می‌برد تا علاوه بر شهادی دوران دفاع مقدس، نقبی هم بر تاریخچه مفهوم شهادت در فرهنگ ایرانی و آثار آن در انقلاب اسلامی زده باد.

ای عاشق خورشید که در عشق بزرگت
پیراهن خونین تو برهان مبین
است (همان: ۱۲۱)

خورشید در ادب پایداری نماد آزادی و در ادب آیینی نماد امام حسین (ع) است، و ایشان خود نماد حقیقی شهادت. بنابراین مقصود از عاشقان خورشید از جهتی عاشقان آزادی و شهادت و از جهت دیگر عاشقان سیدالشهدا (ع) و فرهنگ ایثار و شهادت ایشان است. حال منزوی پیراهن خونین این عاشقان را برهان مبین عشق می‌داند. پس او نه تنها نمادینه گی خون در مفهوم شهادت را مورد توجه و کاربرد قرار می‌دهد، بلکه با دقت و ریزینی خاص و بی‌نظیری این نماد را در محور هم‌نشینی، در کنار نمادهای دیگر دفاع مقدس و ادبیات پایداری به کار می‌برد، تا مفهوم شهادت را هرآینه بیشتر القا کند.

ای غرقه به خون پیرهن سبز تن دوست وی بیرق گلگون برافراختن دوست (همان: ۱۲۴)
ای دست انتخابت بر سینه کتابت از سرب و خون نوشته، حکم شهادت تو (همان: ۱۲۸)
البته او گاه صراحت بیشتری به خرج داده است و مانند دیگر شاعران معاصر برای اتکای بیشتر به مفهوم نمادین خون به معنای شهادت، مستقیماً به ستایش اوصاف شهدا پرداخته است و نماد خون را در چنین بستری نیز به کار برده است. سبز و خون و پیراهن هر سه از نمادهای شهادت هستند که منزوی در یک مصرع به این دقت در کنار هم به کار می‌برد تا مفهوم مقصود را هرچه واضح‌تر القا کند. همچنین سرب، که در ادبیات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، مجاز از گلوله و نمادی مجازی (درخصوص نوع نمادهایی که بیان می‌شود ر.ک: داودی و دیگران، ۱۴۰۳: پیشنهادی بر دسته‌بندی انواع سمبل) از ظلم و کشتار است در کنار نماد خون به کار می‌رود تا چنانچه خود شاعر صراحتاً در ادامه بیت بیان کرده است، خون را در «حکم شهادت» مورد استفاده قرار داده باشد.

خواب خوش باد شما را که در آن هنگامه خواب خونین شما آیت بیداری بود (همان: ۱۳۴)

در این بیت زیبا نیز ترکیب نمادین خواب خونین در مفهوم شهادت به کار رفته است. خوابی که آیت و غایت بیداری است.

جایتان سبز که با خون خود امضا کردید پای آن نامه که منشور وفاداری بود (همان: ۱۳۴)

منزوی در این بیت نیز به وضوح شهدا را مورد خطاب و ستایش قرار می‌دهد و معتقد است آنان با خون، که همان شهادت است پای نامه وفاداری و میهن پرستی شان را امضا زده‌اند. همچنین است در بیت ذیل که مقصود از جوهر خون در آن، جوهر ماندگار شهادت است.

چه عاشقان که خط وصلشان به جوهر خون نوشته باقلم سربشان به روی تن است (همان: ۱۴۱)

چنانچه پیش‌تر گفته شد خورشید و آفتاب از نمادهای پرکاربرد ادبیات پایداری در مفهوم آزادی است. منزوی در بیت زیر آغاز سفر به سوی این آرمان بلند و ارجمند را، بال بال رزمندگان رشید و شهدای جوانمردمان در جنگ و شهادت می‌داند. آتش در این بیت نماد جنگ و خون نماد شهادت است.

آغاز پر زدن به سوی آفتاب بود در انفجار آتش و خون، بال بال تو (همان: ۲۱۳)

او همچنین در بیتی با استفاده از نماد خون، سعی بر القای این باور معنوی در رابطه با شهدا دارد که «شهدان زنده‌اند» و می‌گوید:

چگونه خون تو پامال ماه و سال شود؟ که چون بهار رسد، خون ارغوان تازه‌ست (همان: ۱۵۱)

در این بیت نیز منظور از خون شهادت است. اثری که هرگز از بین نخواهد رفت و به دست سال و ماه از صفحه روزگار پاک نخواهد شد.

ای عشق ای کشیده به خون ننگ و نام را گلگون به غازه کرده رخ صبح و شام را (همان: ۴۹۷)

که با دهان بی‌آواز نیم‌باز انگار در آن سپیده خونین وطن و وطن می‌گفت

(همان: ۵۰۳)

ایرانم ای از خون یاران لاله‌زاران ای لاله‌زار بی‌خزان از خون یاران (همان: ۵۴۳)

منزوی در این ابیات نیز با رویکردی ملی‌گرایانه و حماسی، واژه خون را در مفهوم شهادت به کار می‌برد، تا خون‌های ریخته شده در راه میهن را ارج نهد و آیین شهادت را ستایش کند.

فرآیند انباشت

نماد خون برای تحقق مفهوم و معنا سازی خود، در بستر مترادفات معنایی دیگری قرار می گیرد، که هر چند از نظر لغوی عیناً هم معنا نباشند (که اساساً یافتن معنا و هم معنا را امری لابتناهی دانسته اند، و برای هر مترادف، مترادف دیگری نیز قابل تصور است)، اما از نظر بار معنایی همگی بر مفاهیم مشترک دلالت دارند. مطابق رویکرد نشانه شناسی شعر ریفاتر، این تعبیر و واژگان مترادف و شبه مترادف در قالب فرآیند انباشت در کنار یکدیگر قرار می گیرند. اگر بخواهیم وجه مشترکی بین انباشت واژگان و نظریه تحلیل انتقادی گفتمان فرکلاف قائل شویم، درواقع باید این هم نشینی و انباشت در راستای دلالت مندی و نشانه گی را، مبتنی بر بار گفتمانی خاص هر یک یا هر دسته از واژگان بپنداریم.

در این صورت درخصوص نماد خون باید گفت، هم نشینی و ترادف واژگانی چون: لاله، داغ، سرخ، خوناب، جوی و جویبار، باران، چکه، پیرهن، کفن، خواب، بیداری، سبز، امضا، جوهر، قلم، ارغوان، گلگون، آواز، وطن، لاله زار، عاشق، یاران، دوست و...، فرآیند انباشت را درخصوص نشانه گی و معنا سازی نماد خون در مفهوم «شهادت» رقم می زند. به عبارت دیگر، واژگان فوق که همگی از واژه های نمادین درخصوص مفهوم شهادت و ایثار و... در شعر دفاع مقدس هستند، در محور هم نشینی به عنوان نشانه در کنار یکدیگر قرار گرفته اند تا به دلالت مندی نماد خون هر چه بیشتر مهر تأیید باشند. از سوی دیگر از نظر تحلیل انتقادی گفتمان، انباشت این واژگان، ناظر بر گفتمان مسلط بر جامعه ایران در روزهای جنگ تحمیلی است. خون و رنگ سرخ و سبز و راه افتادن جویهای خون، جوهر (که خود مجازاً معنای شجاعت و اثر گذاری نیز دارد) و امضا زدن به خون و... همگی تأکید بر گفتمان جمعی طبقه متوسط جامعه دارد که در میان شان خون دادن در راستای دفاع از خاک میهن، به یک ارزش نهادینه بدل شده بود، تا جایی که مرگ در این راه را آرزو کنند.



شکل ۱- فرآیند انباشت نشانه‌های مثبت گفتمان دفاع مقدس

از سوی دیگر این واژگان مثبت گفتمان ملت، در برابر انباشت واژگان منفی‌ای قرار می‌گیرد که گاه‌گدار در همین مصادیق بالا به چشم می‌خورد و به گفتمان مقابل، یعنی دشمن متجاوز دلالت دارند. انباشت واژگانی چون: دشنه، پنجه، خنجر، سرب، آتش، پامال، ننگ و...، در راستای دلالتی توانمند و مترادف بر مفهوم جنگ و دشمنی و ظلم و تجاوز است و نشانه گفتمان دشمن متجاوز.

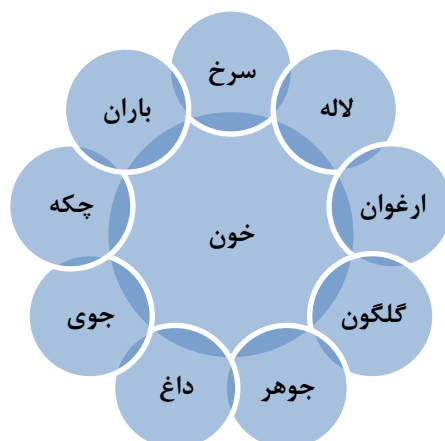


شکل ۲. فرآیند انباشت نشانه‌های منفی گفتمان دشمن

فرآیند منظومه توصیفی

در رویکرد نشانه‌شناختی ریفاتر، یکی دیگر از فرآیندهای معناساز، فرآیند منظومه توصیفی است. در این فرآیند برخلاف فرآیند انباشت، واژگان در ترادف و معنای یکدیگر به کار نمی‌روند، بلکه برای توصیف واژه و مفهوم اساسی و اصلی خاستگاه همان شعر استفاده شده‌اند. ریفاتر معتقد است: «دال‌ها در زبان مورد استفاده در شعر به ذوات و هستنده‌هایی بیرون از شعر ارجاع نمی‌کنند، بلکه مرجع آن‌ها سایر دال‌های شعراند و نظامی دلالتگر در داخل متن به وجود می‌آورند.» (پاینده: ۲۲) و این دلالت درون متنی را «تعیین چندعاملی» می‌نامد. این تعیین چند عاملی را برای نماد خون و

مفهوم ضمنی آن، یعنی شهادت، در دو منظومه توصیفی می‌توان مورد بررسی قرار داد. یک منظومه توصیفی حول محور، و دوم منظومه توصیفاتی که به وصف شهید یا شهادت می‌پردازد.



شکل ۳- فرآیند منظومه توصیفی نماد خون

مطابق این فرآیند، واژگانی چون سرخ (و لاله و ارغوان به مناسبت همین رنگ)، چکه، جوهر، داغ و... همگی در راستای توصیف یک واژه و مفهوم واحد به کار رفته‌اند که آن خون است. خود این خون بنابه نظام تحلیل گفتمان، نشانه‌ای از گفتمان خودی و ایثار و شهادت طلبی ملت است که در برابر گفتمان دشمن متجاوز خونخوار قرار می‌گیرد. همچنین منظومه توصیفی دیگری حول محور مفهوم «شهید» ایجاد می‌شود که آن نیز در کارکردی نشانه‌شناختی به همان گفتمان شهادت طلب خودی در برابر گفتمان دشمن متجاوز دلالت دارد. در این منظومه نیز واژگانی چون: یادگار، ماندگار، دوست، یار، عاشق، بیدار و... همگی در راستای توصیف واژه هسته شهید به کار رفته‌اند. علاوه بر این مطابق شکل ذیل، واژگانی چون لاله و ارغوان را در این منظومه توصیفی نیز ملاحظه می‌کنید، اما این بار دلالت توصیفی ارغوان و لاله نه به سبب رنگ، بلکه به خاطر گل بودن، و تشبیه شهید به گل، در این منظومه نیز مورد تبیین قرار گرفته‌اند.



شکل ۴- فرآیند منظومه توصیفی مفهوم شهید

۲-۲. کفن

یکی دیگر از نمادهای ادبیات دفاع مقدس نماد کفن است. کفن به سبب دلالت فرهنگی که به مفهوم مرگ دارد سمبل عمومی و مصنوع از شهادت و شهادت طلبی و جان بر کفی است. در همین راستا است که در قیام‌های مهم تاریخ پر افت و خیز ایران، گاه مردم آزادی‌خواه و استوار ایران کفن بر تن به میدان مبارزه و پایداری در برابر دشمن خود و میهن‌شان حاضر شده‌اند. کفن سمبل توسیعی، مصنوع و مجازی از شهادت است. این سمبل نیز در اشعار منزوی ۱۴ بار تکرار شده است.

گفتیم مگر حرز حفاظش شوی اما تقدیر چنین خواست که باشی کفن دوست
(همان: ۱۲۴)

ای شمایان که خروشان کفن پوشانید ای که بر فرق ستم تیغ شما کاری بود (همان: ۱۳۵)

منزوی در اشعار خویش نماد کفن را به کار می‌برد و در رثای شجاعت شهیدان دفاع مقدس آنان را خروشان کفن پوشانی می‌داند که جان بر کف گرفته‌اند تا حافظ میهن باشند و بر فرق دشمن متجاوز چون تیغ ستم.

زمان که در رسد ای گل تو نیز خواهی رفت چه حاجت است به پیش از زمان کفن پوشی؟
(همان: ۴۰۳)

او همچنین در این بیت کفن پوشی را در مفهوم شهادت به کار می برد و به ایثار و از خود گذشتگی داوطلبانه رزمندگان و شهدای جبهه های نبرد حق علیه باطل اشاره می کند.
در چمن، آه! این همه خونین کفن باز بقایای شبیخون کیست؟ (همان: ۱۸۱)
چمن از نمادهای پرکاربرد شعر معاصر در مفهوم میهن است. منزوی با کارکردی نمادین واژه ها را با ترتیب و رابطه خاص و تنگاتنگی در کنار هم می چیند تا مفهوم مورد نظر خود را منتقل سازد. شبیخون مجاز از جنگ تحمیلی است. و این واژگان نمادین و مجازی خود بیشتر گویای مفهوم نمادین کفن در این بیت هستند. مقصود از خونین کفن شهدای گرانسنگ سال های دفاع مقدس اند.

پیراهن من آیا/ باید به قامتش کفنی می شد/ می پوشید؟ (همان: ۷۶۵)
منزوی نه تنها در غزل های خود، بلکه در اشعار نو نیز به مفاهیم جنگ و شهادت توجه دارد و از موضوع دفاع مقدس غافل نیست. در دو نمونه بالا از اشعار نو او نیز نماد کفن در مفهوم شهادت به کار رفته است. منزوی با اشاره به فرهنگ قناعت در جامعه ایرانی، و یک عادت فرهنگی در میان خانواده های آن روزهای ایران، که لباس و وسایل فرزندان بزرگتر برای فرزندان کوچک تر نگهداشته می شد، به طور ضمنی به این نکته اشاره می کند که در میان شهدای دفاع مقدس گاه اجساد مطهر نوجوانان و کودکانی نیز به چشم می خورد که از شاعر و یا دیگر برادران هم وطن خود سن بسیار کمتری داشته اند و با این حال به میدان های جنگ می رفتند.

فرآیند انباشت

مطابق نظریه ریفاتر یکی از فرآیندهای معنادهی انباشت واژگان هم معنا و مترادف به عنوان نشانه در بستر یک متن است، که این فرآیند با سطح توصیف نظریه و رویکرد تحلیل انتقادی گفتمان فرکلاف نیز قابل تطبیق است. انباشت واژگانی چون: حرز، حفاظ، تقدیر، خروش، گل، چمن، پیرهن، قامت و... در کنار نماد کفن نشانه هایی هستند که همگی در راستای دلالت بر مفاهیم ایثار و رشادت و شهادت، در کارکردی مترادف گونه انباشت شده اند. همچنین این انباشت واژگان

مثبت، مطابق رویکرد تحلیل انتقادی گفتمان، در راستای دلالت‌مندی بر گفتمان خودی جامعه ایران در روزهای دفاع مقدس است. گفتمان خودی گفتمان شهادت و رشادت و ایثار است که در مقابل گفتمان دشمن قرار می‌گیرد.



شکل ۵- فرآیند انباشت واژگان مثبت گفتمان خودی

همچنین در مقابل واژگانی نیز در کنار یکدیگر انباشت شده و گفتمان مقابل را ایجاد می‌کنند، که همانا گفتمان دشمن متجاوز بعضی است. ترادف و هم‌نشینی واژگان منفی چون: ستم، تیغ، زمان، رفتن، آه، شبیخون، پوسیدن و... همگی بر ظلم و جنایات گفتمان دشمن دلالت دارند و در بستری مترادف گونه بر مفاهیمی چون ظلم، سیاهی، جنگ و تجاوز اشاره می‌کنند.



شکل ۶- فرآیند انباشت واژگان منفی گفتمان دشمن

۲-۳. خاک

نماد خاک یکی دیگر از نمادهای طبیعی و توسیعی است پر کاربرد ادبیات پایداری است. اما دلالت این نماد اغلب به مفهوم میهن است و به این مؤلفه بیشتر دیده و شناخته شده است. اما با اشاره به جسم انسان که بی‌روحي که به واسطه شهادت به پرواز در می‌آید چیزی جز مشتی خاک نخواهد بود، توسط سایه در مفهوم شهادت نیز به کار رفته است. این سمبل توسیعی_طبیعی و مجازی از شهید نیز ۲ بار در اشعار منزوی تکرار شده است.

عشق گاهی اوج را تا خاک پایین می‌کشد عشق گاهی خاک را تا اوج بالا می‌برد (همان:

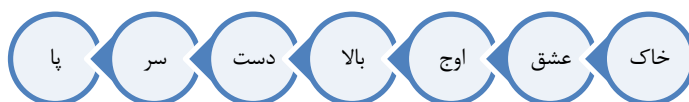
۱۶۳)

این خاک که زیر پاست دست و سر کیست؟ این گرد که در فضا است خاکستر

کیست؟ (همان: ۷۰۰)

فرآیند انباشت

مطابق نظریه ریفاتر درخصوص فرآیند انباشت در معناسازی و مفهوم‌پردازی نماد خاک به عنوان «شهید»، واژگانی در محور هم‌نشینی و با کارکردی مترادف در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند تا در مفهوم‌سازی و نشانه‌گی این نماد بیشتر تأثیر بگذارند. طبق این فرآیند، انباشت واژگانی چون: عشق، اوج، بالا، دست، سر، پا، و... همگی در راستای دلالت نمادین واژه خاک است و بر مفهوم شهید، اشاره دارند. این گفتمان خودی حاکم بر جامعه ایثارگر و جهادگر ایرانی است که در آن اهدای سر و دست و پا برای دفاع از خاک امری ستودنی است. و همان خاک که جنس بشر را نیز از آن دانسته‌اند، برپایه همین الگوی فکری و گفتمان ایثار و شهادت طبقه اکثریت جامعه است، که می‌تواند از خاک و پایین بودگی تا اوج بلندترین درجات دست یابد.



شکل ۷- فرآیند انباشت واژگان مثبت گفتمان خودی

همچنین از سوی دیگر یک‌سری واژگان در کنار یکدیگر و در ترادف و فرآیند انباشت، مطابق سطح توصیف نظریه فرکلاف در معانی منفی به کار رفته‌اند و بر گفتمان مقابل، یعنی دشمن متجاوز دلالت دارند. در این راستا، واژگانی مانند: پایین، زیر، گرد، فضا، و خاکستر، در هم‌نشینی و ترادف با یکدیگر بر گفتمان تیره و ظلم‌آلود دشمن متجاوز یعنی اشاره دارند و در تقابل با گفتمان ایثار و شهادت جامعه ایرانی قرار می‌گیرند.



شکل ۸- فرآیند انباشت واژگان منفی گفتمان دشمن

در ادامه این پژوهش، جدولی جامع شامل تمام نمادهای دفاع مقدس در اشعار حسین منزوی که بر مفاهیمی همچون: شهادت، ایثار، جنگ و... دلالت دارند، آورده می‌شود که براساس رویکرد تلفیقی این پژوهش، هرکدام از این نمادها نیز، خود در پژوهش‌های دیگر قابل بررسی و

تحلیل براساس رویکرد نشانه‌شناسی انتقادی گفتمانی است، که با تلفیق نظریه تحلیل انتقادی گفتمان فرکلاف و نشانه‌شناسی شعر ریفاتر توسط نگارنده صورت گرفته است.

جدول ۱. جدول بسامد نمادهای دفاع مقدس در اشعار حسین منزوی

ردیف	سمبل	بسامد	نوع سمبل
۱	خون	۶۶ بار	توسیی، طبیعی، مجازی
۲	کفن	۱۴ بار	توسیی، مصنوع، مجازی
۳	تابوت	۱ بار	تأسیسی، مصنوع، مجازی
۴	پیراهن سیاه	۱ بار	"
۵	خاک	۲ بار	توسیی، طبیعی، مجازی
۶	خواب	۲ بار	"
۷	گل	۲۰ بار	توسیی، طبیعی، تشبیهی
۸	غنچه	۱ بار	"
۹	شبنم	۱ بار	"
۱۰	ارغوان	۱ بار	"
۱۱	لاله	۹ بار	"
۱۲	شقایق	۸ بار	"
۱۳	یاس	۲ بار	"
۱۴	یاسمن	۱ بار	"
۱۵	گیلاس	۱ بار	تأسیسی، طبیعی، تشبیهی
۱۶	ترنج	۱ بار	"
۱۷	سیب	۱ بار	توسیی، طبیعی، تشبیهی
۱۸	انار	۱ بار	تأسیسی، طبیعی، تشبیهی
۱۹	تاک	۲ بار	توسیی، طبیعی، تشبیهی
۲۰	خورشید	۱ بار	"
۲۱	حادثه	۱ بار	توسیی، طبیعی، مجازی
۲۲	تندباد	۱ بار	توسیی، طبیعی، تشبیهی

۲۳	زلزله	۱ بار	"
۲۴	فلز	۲ بار	توسیعی، طبیعی، مجازی
۲۵	تفنگ	۲ بار	توسیعی، مصنوع، مجازی
۲۶	مسلسل	۱ بار	تأسیسی، مصنوع، مجازی
۲۷	مین	۱ بار	"
۲۸	گلوله	۲ بار	توسیعی، مصنوع، مجازی
۲۹	تیر	۱ بار	"
۳۰	ستون	۱ بار	تأسیسی، مصنوع، تشبیهی
۳۱	آمبولانس	۱ بار	تأسیسی، مصنوع، مجازی
۳۲	سر	۲ بار	توسیعی، طبیعی، مجازی
۳۳	دست	۱ بار	"
۳۴	برادر	۱ بار	تأسیسی، مصنوع، مجازی
۳۵	رستم	۱ بار	توسیعی، مصنوع، تلمیحی
۳۶	تهمتن	۱ بار	"
۳۷	سهراب	۲ بار	"
۳۸	سیاوش	۷ بار	"
۳۹	سرخ	۷ بار	توسیعی، طبیعی، تشبیهی
	بسامه مجموع سمبل ها	۱۷۲ بار	

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بررسی و تحلیل نمادهای دفاع مقدس در اشعار حسین منزوی نشان می‌دهد که منزوی مجموعاً از ۳۹ سمبل مختلف، ۱۷۲ بار در مفهوم جنگ و شهادت بهره می‌یابد، که در بین آن‌ها سمبل خون با بسامد ۶۶ بار پرکاربردترین سمبل شهادت، و نمادهایی چون انار، ارغوان، یاس، برادر و رستم و... هر کدام با ۱ مرتبه استفاده کم‌کاربردترین نمادهای او در این زمینه هستند. (مطابق جدول ۱)

از نظر نوع سمبل‌های جنگ و شهادت در اشعار منزوی نیز باید گفت بیشترین بسامد مربوط به سمبل‌های توسیعی و طبیعی، به ترتیب با بسامد ۲۹ و ۲۳ است، و سمبل‌های تشبیهی نیز با یک اختلاف نسبت به سمبل‌های مجازی، پرکاربردترین نوع سمبل‌های منزوی در مفهوم جنگ و شهادت هستند. (مطابق شکل ۱) درخصوص رویکرد نمادگرایی منزوی در اشعار مرتبط با دفاع مقدس او باید گفت، هر چند او نیز مانند دیگر شاعران معاصر، گاه به صراحت به مفاهیمی چون شهادت و ایثار و جنگ پرداخته است، اما در اغلب موارد و مصادیق مورد پژوهش، او با رویکردی فنی و دقیق با نمادهای ادبیات دفاع مقدس برخورد کرده است. به نحوی که در استفاده از نمادهایی که به مفاهیمی چون شهادت و جنگ دلالت دارند، سعی بر هم‌نشینی حداکثری این گونه نمادها در محور تصویری اشعارش داشته است و معنابخشی و دلالت نمادین هریک از نمادهای مورد استفاده را با هم‌جواری و تعین چندعاملی دیگر نمادهای آن مقوله، به حداکثر مطلوب رسانیده است.

مطابق نظریه نشانه‌شناسی شعر ریفاتر، واژگان در دو فرآیند معناسازی انباشت و منظومه توصیفی در یک شعر افاده معنا می‌کنند. و این نگاه نشانه‌شناختی در رویکرد تحلیل انتقادی گفتمان نظریه فرکلاف نیز، در سطح توصیف مورد تأکید است. برای نمونه در خصوص اشعار و نمادهای دفاع مقدس در اشعار منزوی، مطابق رویکرد ریفاتر فرآیند انباشت واژگانی چون: داغ، لاله، ارغوان، سرخ، جوهر، امضا و... در ترادف با نماد خون، در تعینی چندعاملی و معناسازی درون‌متنی به مفهوم شهادت دلالت دارند. همچنین براساس نظریه فرکلاف، این انباشت واژگان مثبت، در راستای دلالت بر گفتمان خودی حاکم بر جامعه ایران در دوران دفاع مقدس است. و در مقابل آن فرآیند انباشت واژگانی چون: دشنه، خنجر، سرب، آتش و... به عنوان نشانه در راستای دلالت‌مندی بر گفتمان دشمن متجاوز بعثی به کار رفته‌اند. همچنین مطابق منظومه توصیفی در نظریه ریفاتر،

واژگانی چون: داغ، ماندگار، یادگار، دوست، یار، عاشق و... همگی توصیفاتی از واژه شهید هستند، و واژگانی چون: سرخ، لاله، داغ، ارغوان، گلگون، منظومه توصیفات نماد خون را تشکیل می‌دهند که بر همان مفهوم شهادت دلالت دارد و بر گفتمان ایثار و شهادت‌طلبی جامعه متوسط و مبارز ایران اشاره می‌نماید. فرآیند انباشت و منظومه توصیفی درخصوص نمادهای کفن و خاک نیز بر همین اساس در ساحتی نشانه‌شناختی بر گفتمان خودی دلالت دارند و در مقابل گفتمان دشمن قرار می‌گیرند. همچنین درخصوص سایر نمادهای یادشده در جدول ارائه‌شده در این پژوهش و نیز دیگر نمادهای دفاع مقدس و حوزه پایداری، به سایر پژوهشگران پیشنهاد می‌شود که مطابق رویکرد تلفیقی تازه‌ای که در این پژوهش مورد تأکید نگارنده قرار گرفته است، به بررسی و تحلیلی نمادها بپردازند.

فهرست منابع

- ابراهیم تبر، ابراهیم. (۱۳۹۶). «تحلیل مؤلفه‌های ادبیات پایداری در شعر سیمین بهبهانی». نشریه ادبیات پایداری دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان. س ۹. ش ۱۶. صص ۲۰-۲.
- اصغری بایقوت، یوسف. (۱۳۹۵). تحلیل انواع نماد در شعر نو، یازدهمین گردهمایی بین‌المللی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی، دانشگاه گیلان.
- الیاده، میرچا. (۱۳۹۲). نمادپردازی، امر قدسی و هنرها، ترجمه‌مانی صالحی علامه، تهران: نیلوفر.
- برادسکی، جوزف. (۱۳۷۳). شعر شکلی از مقاومت در برابر واقعیت، ترجمه شهلا شاهسوندی، مجله شعر، سال دوم، شماره ۱۴.
- بصیری، محمدصادق. (۱۳۸۸). سیر تحلیلی شعر مقاومت در ادبیات فارسی، ج ۱: از آغاز تا عصر پهلوی، کرمان: انتشارات دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- بصیری، محمدصادق. (۱۳۸۷). طرح و توضیح چند سؤال درباره مبانی ادبیات پایداری، نامه پایداری (مجموعه مقالات اولین کنگره ادبیات پایداری دانشگاه کرمان)، تهران: انتشارات.
- پارسانسب، محمد؛ شادروی منش، محمد و صادق‌پور، حافظ. (۱۳۹۸). تحلیل هویت اجتماعی مانلی براساس تحلیل انتقادی گفتمان، نقد و نظریه ادبی، سال چهارم، دوره دوم، ش ۸، صص ۵۱-۷۴.
- پاینده، حسین. (۱۳۹۷). نظریه و نقد ادبی، ج ۱ و ۲، تهران: سمت.
- پورنامداریان، تقی و خسروی شکیب، محمد. (۱۳۸۷). دگردیسی نمادها در شعر معاصر، دو فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره ۱۱.
- پورنامداریان، تقی؛ رادفر، ابوالقاسم و شاکری، جلیل. (۱۳۹۱). بررسی و تأویل چند نماد در شعر معاصر، نشریه ادبیات پارسی معاصر، سال دوم، شماره ۱.
- پورنامداریان، تقی. (۱۳۶۷). رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی، تهران: علمی فرهنگی.
- جهانگرد، فرانک. (۱۳۹۵). تحلیل سیر تکوینی تعاریف ادبیات پایداری در ایران، نشریه ادبیات پایداری، دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال هشتم، شماره ۱۴.
- چدویک، چارلز. (۱۳۷۵). سمبولیسم؛ ترجمه مهدی سحابی، تهران: مرکز.
- چهرقانی، رضا. (۱۳۹۶). ادبیات پایداری در ایران، بازشناسی مولفه‌ها، فرصت‌ها و چالش‌ها، نشریه ادبیات پارسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال هفتم، شماره ۲، صص ۱-۳۳.
- حدادی طاقانکسی، نادرسی. (۱۳۸۸). «بررسی جلوه‌های دفاع مقدس در ادبیات کودک و نوجوان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهرکرد.
- داودی، شکیب. (۱۴۰۱). سمبولیسم اجتماعی در اشعار حسین منزوی، هفتمین کنفرانس بین‌المللی مطالعات زبان و ادبیات ملل، تهران.

- داودی، شکیب؛ صفری، جهانگیر و فروزنده، مسعود. (۱۴۰۳). جلوه نمادین ظلم و خفقان در اشعار هوشنگ ابتهاج، ادبیات پایداری، دوره ۱۶، شماره ۳۰، صص ۱۴۱-۱۶۶.
- داودی، شکیب. (۱۴۰۳). پیشنهادی بر دسته‌بندی انواع سمبل، فصلنامه زیبایی شناسی ادبی، دوره ۱۵، شماره ۶۰، صص ۷۵-۱۱۰.
- رستگارفسائی، منصور. (۱۳۷۲). انواع شعر فارسی، شیراز: انتشارات نوید
- سنگری، محمدرضا. (۱۳۸۰). نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس. تهران: پالیزان.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۹۰). با چراغ و آینه، تهران: سخن
- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۱). بیان، تهران: فردوس.
- شوالیه، ژان؛ گربران، آلن. (۱۳۸۴). فرهنگ نمادها، چاپ ۲، ج ۱-۵، ترجمه سودابه فضایی، تهران: جیحون
- صفری، جهانگیر؛ ظاهری عبدوند، ابراهیم. (۱۳۹۴). بررسی نماد در دیوان ناصرخسرو، دو فصلنامه علوم ادبی، سال ۴، شماره ۷.
- علامی، ذوالفقار؛ یگانه، سپیده. (۱۳۹۳). نمادپردازی‌های حماسی در غزل نثوکلاسیک (با تکیه بر غزلیات سیمین بهبهانی، حسین منزوی و محمدعلی بهمنی)، پژوهشنامه نقد ادبی و بلاغت، سال ۳، شماره ۱.
- فتوحی رودمعجنی، محمود. (۱۳۸۵). بلاغت تصویر، تهران: سخن.
- فرکلاف، ن. (۱۳۷۹). تحلیل انتقادی گفتمان، ترجمه ف. شایسته‌پیران و دیگران، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- قاسمی، حسن. (۱۳۸۳). صورخیال در شعر مقاومت. تهران: فرهنگ گستر.
- قانونی، حمیدرضا؛ غلامحسینی، پروین. (۱۳۹۴). بررسی ابر نمادهای اشعار شاعران مقاومت (پایداری) (با تکیه بر اشعار سید محمدرضا کردستانی میرزاده عشقی)، مجموعه مقاله‌های دهمین همایش بین‌المللی ترویج زبان و ادب فارسی
- قبادی، حسین علی. (۱۳۸۸). آیین آینه. چاپ دوم. تهران: مرکز نشر آثار علمی دانشگاه تربیت مدرس.
- کلبعلی، شهلا؛ سنجولی، احمد و مجوزی، محمد. (۱۴۰۱). تحلیل نمادهای طبیعی مقاومت در سه اثر داستانی راضیه نجار (ستاره من، گمان مبر کھشعله بمیرد، و محبوبه صبح) براساس کهن‌الگوی یونگ، مطالعات دفاع مقدس و نبردهای معاصر، دوره ۴، شماره ۷، صص ۲۷۷-۳۰۰.

